



هگل فیلسوف آشتی دادن است/ متفکرین ما دیگر از سر شیفتگی با فیلسوفان غربی مواجه نمی شوند

یک استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی گفت: هگل یک فیلسوف جزمی نیست این را میراث فکر معاصر به ما آموخته است ...

یک استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی گفت: هگل یک فیلسوف جزمی نیست این را میراث فکر معاصر به ما آموخته است که یکی از قرائت‌ها از هگل او را فیلسوف آشتی دادن می‌داند، یعنی با قرائتی که در آلمان شهرت دارد او یک فیلسوف آشتی است. به گزارش خبرنگار مهر، مراسم رونمایی از کتاب هگل و "فلسفه معاصر ایران" نوشته دکتر علی اصغر مصلح با حضور نویسنده و دکتر رضا داوری اردکانی، دکتر سید حمید طالب زاده و دکتر محمدرضا بهشتی عصر شنبه 20 مهرماه در تالار کمال دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد.

علی اصغر مصلح درباره ادوار 4 گانه آشنایی ایرانیان با هگل در این نشست صحبت کرد. وی گفت: در حدود 150 سال گذشته سیر توجه به هگل در ایران شروع می‌شود که می‌توان آن را به 4 مرحله تقسیم کرد. دوره اول را توجه اجمالی به هگل نامگذاری می‌کنم و مبنای سختم گزارش گوبینو است که در تهران عده ای از او خواستند به جای فلسفه دکارت فلسفه اسپینوزا و هگل را به آنها بیاموزاند. گوبینو می‌گوید علت توجه ایرانیان به اسپینوزا و هگل روح آزاد ایرانیان است ولی خود او تجویز می‌کند که ایرانیان دکارت بخوانند و با آن به کاروان ترقی و پیشرفت دست یابند.

وی افزود: اما دوره دوم توجه به هگل یک توجه فرعی است. بیشتر از سوی مارکسیست‌ها و کار مرحوم فروغی است. یعنی این دو بالاصاله توجه به هگل نداشتند، مارکسیست‌ها بخاطر عبور از هگل و فروغی بخاطر تقریر از هگل به او توجه داشتند.

این نویسنده و مترجم تصریح کرد: مرحله سوم از توجه ایرانیان به هگل از حدود دهه 50 شروع می‌شود و به یک معنا هگل پژوهی از این زمان آغاز می‌شود. حمید عنایت و دکتر کریم مجتهدی، بحث‌هایی در باره هگل دانشگاهی را در یک دوره متأخر در دهه 40 و 50 به بعد شروع کردند. در این دوره نقدهایی به هگل می‌شود، ولی اغلب نقدها بدون مراجعه به متون اصلی است. چه از جانب مرحوم مطهری و چه از جانب کسان که مارکسیستی به هگل می‌پرداختند و او را نقد می‌کردند. در دوره سوم آشنایی ملموس‌تری از هگل داشتیم و آثار بهتری نوشته شد. در دوره چهارم سعی کردیم هگل را با یک نحوه خود آگاهی بخوانیم و اصل متن او را بخوانیم. اوج هگل پژوهی و آشنایی با هگل از ده سال پیش است که ما ایرانی‌ها با آن آشنایی پیدا کردیم. برای ما اکنون این مطلب ملموس است که فیلسوفان غربی را برای چه می‌خوانیم و چه نسبتی با ما دارند، این وضعی است که با توصیف فلسفه می‌توانیم بیان کنیم. دیگر چشم و گوش بسته یا از سر شیفتگی و تحسین با فلاسفه اروپایی روبرو نمی‌شویم.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه عنوان کرد: نکته بعد اینکه کتاب در حدی است که کسی بخواهد وارد هگل بشود مناسب است. بنده ادعای هگل پژوهی ندارم در سیر تحقیق دیگری به این کتاب رسیدم. متفکرانی نظیر هایدگر، نیچه و هگل برای درک تفکر نوین لازم هستند. هگل یک فیلسوف جزمی نیست این را میراث فکر معاصر به ما آموخته است. پس من به صراحت می‌گویم که یکی از قرائت‌ها از هگل او را فیلسوف آشتی دادن می‌داند یعنی با قرائتی که در آلمان شهرت دارد او یک فیلسوف آشتی است. او را می‌توانیم با توجه به آثارش مطرح کنیم و وی می‌تواند درس آموز ما باشد. ما باید با الگوی هگلی به فرهنگ ایرانی توجه کنیم اینکه چطور تعارضات رفع بشود، بین گذشته و آینده من این قرائت را می‌پسندم و به نظرم مبنای مناسبی است.

مصلح گفت: در تاریخ فرهنگ و فکر ایرانی هم چنین است، فقط گسست نیست که به نظر می‌رسد متفکران در فرهنگ ایرانی دوره معاصر استعدادهایمان را کشف کردند. سؤال این است که آیا برآستی تفکر ایران در جهت رسیدن به سنت‌ها سیر کرده و در راستای آشتی حرکت می‌کند؟

وی افزود: فرهنگ‌هایی مثل ایران باید موقتی هم شده ابتدا به سنت‌هایی برسند، ما تا موقعی تکلیفمان با خودمان روشن نشود نمی‌توانیم وارد زمان معاصر شویم، چرا که این از معضلات فکر معاصر است. ما به تعبیر مدرنیته خودآگاه نیستیم، اما باید وارد پست مدرن شویم، پس باید برای درک وضع کنونی هگل برسیم، اینطور نیست بگوییم که کانت و هگل دوره‌شان به سر رسیده است.

وی با تأکید بر اینکه ما دیگر به صرف نقل قول از فیلسوفان غربی آنها را نمی فهمیم بلکه با قرائت میان فرهنگی از هگل با آن برخورد می کنیم. که برای شرایط ما بسیار درس آموز است، گفت: فیلسوفان هگل شناس اروپایی نیز هگل را با قرائت میان فرهنگی تحلیل می کنند.

مصلح در آخر از ادب گفتگو و ادب فلسفه صحبت کرد همانطور که ادب نفس و ادب درس داریم باید ادب تفکر و ادب فلسفی هم داشته باشیم. خیلی از خود آگاهی هایی که برای ما به وجود آمده اخلاق و ادب تفکر بسیار مهم است. متفکر فردی نیست، وقتی فرد متفکر است که از فردیت خود فاصله بگیرد و باید مترتب آدابی باشد.

در این نشست دکتر محمد رضا بهشتی درباره نبرد ایرانیان از خواجه و برده یکی از فصول کتاب پدیدار شناسی روح هگل صحبت کرد و گفت: تاریخ تطورات و تاریخ اخذ و اقتباس هردو برای فهم و نحوه دریافت و تلقی ای که از اندیشه ها پدید می آورد مهم هستند. در تاریخچه اخذ و اقتباس به دنبال آن هستیم که چه اندیشه هایی از جانب کدام اندیشمندان مورد توجه قرار گرفتند و چرا اینگونه فهمیده شدند. برای اینها چه مقتضیاتی موجود بوده و چه موانعی مفقود بوده تا به این منابع دست یافتند. آنچه در ایران روبرو هستیم اخذ و اقتباسی است که عمدتاً از نگاه چپ و مارکسیستی صورت گرفته حتی ترجمه هایی که از هگل شده یا برگردان از همین فصل نشان می دهد ما با این گرایش روبرو هستیم.

وی افزود: در ایران به کتاب پدیدار شناسی روح هگل بیشتر از بقیه آثارش توجه شده و در این کتاب بیشتر به فصل آقایی و بردگی توجه نشان داده شده است. مواجهه یک مواجهه نقادانه است. برای هگل از این فصل بهره بردای می شود. اینکه هگل را درست عکس دریافت های او برداشت کنیم.